

انتشار دو فیلمنامه در یک کتاب

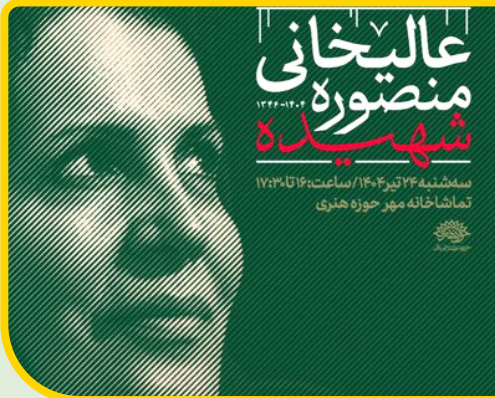
دو فیلمنامه «اسب چشمه» و «سکسکه ماه پشت ابر» نوشته کرم الله سلیمانی در یک کتاب از سوی نشر واج منتشر و وارد بازار نشر شد. این دو اثر که ابتدا به عنوان نمایشنامه روی صحنه رفته بودند، حالا با بازنویسی فیلمنامه‌ای منتشر شده‌اند. به گفته نویسنده، نسخه نمایشی این آثار استقلال متنی نداشتند و برای دستیابی به آن، تبدیل به فیلمنامه شدند. هر دو داستان در فضای خانه‌های شرکت نفت می‌گذرند و درباره آدم‌هایی هستند که تحت فشار وضعیت اجتماعی، درگیر تصمیمات دشوار می‌شوند. یکی درباره کارگری اخراجی ست که خانواده‌اش را پنهانی در خانه سازمانی اسکان می‌دهد، و دیگری درباره زوجی سالخورده که در انتظار پسرشان‌اند.



ایسنا

مراسم بزرگداشت شهید عالیخانی برگزار می‌شود

آیین یادبود منصوره عالیخانی، هنرمند نقاش و شهیده حمله رژیم صهیونیستی به تهران، در تماشاخانه مهر حوزه هنری برگزار می‌شود. این مراسم به همت مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری تدارک دیده شده و خانواده شهیده عالیخانی، هنرمندان، استادان هنرهای تجسمی و جمعی از مسئولان فرهنگی حضور خواهند داشت. شهیده منصوره عالیخانی متولد سال ۱۳۴۶ در نوشهر، روز ۲۳ خرداد ماه امسال در حمله وحشیانه رژیم کودک کش صهیونیستی به همراه همسرش به شهادت رسید و در قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) به خاک سپرده شده است. این مراسم یادبود از ساعت ۱۶ تا ۱۷:۳۰ روز سه‌شنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۴ در تماشاخانه مهر حوزه هنری برگزار می‌شود.



مهر

گزارشی از یک نمایش؛

«کوچه باربد»؛ بررسی دراماتیک یک جنون

او می‌گوید: این رفتارها در ذهن نویسنده رفته رفته تأثیر می‌گذارد و شروع به تداعی یک سری ایده‌ها می‌شود که باز انگار در خلال هم به هم مربوط هم هستند و گویی هر زندگی به زندگی دیگر ارتباط دارد. ما از هر زندگی به سراغ یک زندگی دیگر ... می‌رویم و همان مرز واقعیت است که اینها را نشان می‌دهد.

ایرجی گفت: گویی، واقعیتی است که شکل گرفته و در ذهن نویسنده است ولی باز هم معلوم نیست که این واقعیت‌هایی که شکل گرفته‌اند کاملاً واقعی هستند و یا ایده‌های خیالی‌اند.

او درباره تکرار واژه عقرب در نمایش هم اظهار داشت: این، نماد نیست. وسیله‌ای بود که می‌خواستیم از طریق آن مرگ را

افق ایرجی، پس از نمایش‌هایی چون «خاطرات یک دلک»، «جفت هیچ» و «هملتک»، این بار به سراغ نمایشنامه‌ای با تم و موضوعی متفاوت رفته و آن را در بوتیک پردیس شهرزاد به روی صحنه برده است؛ اثری در سبک رئالیسم با اجرای پست‌مدرن، درامی اجتماعی، پر از رنج، فقر، عشق، خیانت و دردهایی که گاه گفته نمی‌شوند، اما حس می‌شوند. استفاده از لجه‌ها و زبان‌های مختلف اقوام ایرانی و حتی افغان، از نکات جالب توجه این نمایش است که به نزدیکی هر چه بیشتر مخاطب با واقعیت صحنه کمک می‌کند.

«کوچه باربد»، تداعی ذهنیات، دیده‌ها و شنیده‌های نویسنده است که از طریق اتفاق‌هایی که در این نمایش رخ می‌دهد، ادامه می‌شود.

«من نمی‌دانم این‌ها واقعیت است؛ در ذهنم است یا در واقعیت اتفاق افتاده است.»

مخاطب تا لحظه پایانی متوجه نمی‌شود که همگی اینها در واقع ذهنیات نویسنده است و اتفاقاتی که واقعا رخ داده.

نویسنده از تمامی اتفاق‌های پیرامون خود ایده گرفته تا رنج، فقر، عشق، خیانت و ... خیلی دیگر از دردهای جامعه که گفته نمی‌شود اما حس می‌شود را در دل حادانه بیان کند. به گفته نویسنده و کارگردان کار، شاید نویسنده خبر تمامی اتفاق‌ها را به نوعی در روزنامه دیده، شاید در جایی شنیده یا برای خودش اتفاق افتاده است. شاید سر تمرین تناثر با این‌ها برخورد کرده است و رفتارهای جنون‌آمیزی که انسان‌ها داشتند و شاید منجر به فاجعه‌ای می‌شد و یا این که می‌توانسته منجر به یک فاجعه‌ای شود.

ایرنا



نشان دهیم. عقربی که نیش می‌زند و منجر به مرگ می‌شود. ایرجی درباره درام‌زایی ناشی از زهر عقرب و این ضرب‌المثل که نیش عقرب نه از بهر کینه است گفت: در اینجا این ضرب‌المثل برعکس می‌شود و فرد در این نمایش عقرب را از بهر کینه در زندگی افراد وارد می‌کند و منجر به مرگ آنها می‌شود.

او افزود: ما مجبور بودیم کاری انجام دهیم که باز بگر رفته به رفته بمیرد. به این که زهر را در چایی بریزد هم فکر کرده بودیم و دیدیم قشنگ نیست. به همین سبب، عقرب را وسیله مرگ افراد گذاشتیم.

کارگردان نمایش گفت: به عنصری فکر می‌کردیم که پدر و برادر دختر را کشته باشد و برای همین دیدم مقداری شاید بحث عقرب دراماتیک تر باشد و به خود شخصیت هم بخورد. فردی که پرورش عقرب دارد می‌تواند مقداری رفتارهای بیمارگونه هم داشته باشد.

ندا ابوالقاسمی فرد، فرنیبا احمدوند، محمدامین جبر کویه، افق ایرجی، امیر پاسبان، فائزه جعفری، مجتبی چاوشیان، ایرج حیدری، سمیرا سهرابی، سارا علاقمند، سمیه فوج طلب، مریم فیروزی، سلوا ملکی پور، نرجس مهدوی، علی نهاوندی و با حضور مهدی امینی خواه، ایفاگران نقش در «کوچه باربد» هستند.



سِلَچ

